

نگاه بالا به پایین مدیران

راز موفقیت یک مدیر در هر مجموعه و دستگاهی باور کردن مردم است. اگر مدیری با تمام وجود اعتقاد داشته باشد که سر مردم نمی‌شود کلاه گذاشت می‌تواند انتظار رسیدن به کلیه اهداف و انجام بهینه وظایف محوله را داشته باشد.

اگر مسئولی در کارهایش همیشه با ناکامی مواجه گردد و توان وفا به عهد و قول‌های داده‌شده را نداشته باشد بدون شک علتش را باید در باور نداشتن فهم و قوهی درک مردم بداند.

مدیری که اعتقاد شش‌دانگ به مردم نداشته باشد به‌مرور به‌جای پرداختن به رفع مشکلات مردم و حرکت در مسیر خواسته اکثریت جامعه به خود و دوستان و اطرافیان‌ش فکر می‌کند و حوزه مدیریتی‌اش را به دکان دو نبشی برای تأمین خواسته رفقا تبدیل نموده و برای سرگرم کردن مردم دل به چند مصاحبه و ارائه مشتی آمار و ارقام می‌بندد.

آنها سعی می‌کنند خود را به‌ظاهر دلسوز و پرتلاش در خدمت جامعه و آشنا به امور نشان بدهند و به‌این‌ترتیب بر سر مردم و مسئولان رده‌بالا هم کلاه بگذارند. کلاه گذاشتن بر سر مردم امکان‌پذیر نمی‌شود چراکه مردم به‌خوبی فرق خادم و خائن، خدمتگزار و زبان‌باز و صادق و ریاکار را تشخیص می‌دهند و در قضاوتشان تحت تأثیر حاشیه سازان، منفعت‌طلبان و دشمنان دوست‌نما قرار نمی‌گیرند.

مسئولی که می‌خواهد مدیریتی در یک مجموعه ادامه‌دار باشد و رفتار و عملکردش مورد توجه و قبول جامعه قرار بگیرد چاره‌ای ندارد جز این‌که با مردم روراست باشد، خدمت صادقانه و بی‌ریا را در رأس امور و فعالیت‌های خود قرار بدهد، کارش را با تدبیر و مطالعه انجام بدهد و به زیرمجموعه‌اش احترام بگذارد و زمینه جلب اعتماد هرچه بیشتر آنها را فراهم کند و اطمینان داشته باشد که مردم بهترین قاضی هستند و مسائل را خوب درک و ارزیابی می‌نمایند.

در یک دولت انقلابی انتظار این است که همه مسئولین در هر رده و در هر سطحی به خدمت صادقانه و روراستی با مردم اهمیت بدهند. از نگاه از بالا دوری کنند و خود را تافته جدا بافته قلمداد ننمایند، فرصت ابراز وجود به نیروهای تحت مدیریتش بدهند و از بودن در کنار مردم لذت ببرند و از روبه‌رو شدن با مراجعین و شنیدن حرف و نظرشان ترسی به دل راه ندهند و در یک کلام از خودنمایی و ریاورزی فاصله بگیرند

و خود را وقف مردم و جامعه میکنند